

## اطلاعیه مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۷۸ دفتر آقای بنی صدر پیرامون قتل‌های فروهرها و نویسندگان:

مندرج در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۴۶۱

به تاریخ ۳۰ فروردین تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۸ معادل ۱۹ / ۴ / ۹۹

مجلس ملاتاریا در جلسه ۲۲ فروردین ۱۳۷۸ خود، پیشنهاد تحقیق و تفحص پیرامون «قتل‌های اخیر» را تصویب کرد. پیشنهاد کنندگان ضرورت تحقیق را مستند به نگرانی ناشی از گسترش جو ترور و ناامنی کردند. با توجه به ترکیب این مجلس و با توجه به سکوتی که «کمیته رسیدگی به قتلها» پیشه کرده است، تصمیم مجلس خود بیانگر وجود ارادهٔ دفن کردن پرونده‌های قتلها است. بنا بر این، همه کسانی که می‌خواهند رژیم ترور و سرکوب پایان پذیرد، باید کسب اطلاعات صحیح و انتشار را مسئولیت خویش بدانند. وسائل ارتباط جمعی غرب و دنیای عرب، با انتشار این اطلاعات، می‌توانند، در مبارزه بر ضد تروریسم، سهم مهمی پیدا کنند. انواع قتلها این واقعیت را بازگو می‌کنند که جنایت روش حکومت کردن ملاتاریا است:

الف - قتل‌های داریوش و پروانه فروهر و نویسندگان، مجید شریف و محمد مختاری و محمد جعفر پوینده:

۱ - طرح قتلها پیش از «گم شدن» پیروز دوانی، در شهریور ۱۳۷۷، ریخته شده است. اینک می‌دانیم از وجود او برای ورود به خانهٔ فروهرها و قتل داریوش و پروانه فروهر استفاده کرده‌اند. توضیح اینکه او به نزد داریوش فروهر رفت و آمد می‌کرده است. وقتی او «گم» می‌شود، فروهر نگران سرنوشت او می‌شود. شنبه شب، ۳۰ آبان ۱۳۷۷، او را به درب خانهٔ فروهرها می‌برند. این او بوده است که زنگ را به صدا در می‌آورد. فروهر که نگران گم شدن او بوده است، بلادرنگ درب را به روی او می‌گشاید. قاتلان وارد خانه می‌شوند و پس از انجام جنایت، پیروز دوانی را با خود می‌برند. تنها واواک می‌داند چه بر سر او آورده است. برابر اطلاع، دوروزی بعد از جنایت، به مادر او می‌گویند فرزندش کشته و دفن شده است. هنوز تحقیق مادر بارهٔ صحت این اطلاع، به نتیجه نرسیده است.

اینسان استفاده از یک نویسنده و سر به نیست کردن او، گویای میزان ددمنشی آمران و عاملان قتلها است.

۲ - ۳۵ تن را دستگیر کرده‌اند. از آنها، ۲۲ تن همچنان زندانی هستند. از این ۲۲ تن، ۱۵ تن به شرکت در قتلها اعتراف کرده‌اند. بنا بر توافقی که میان خامنه‌ای و خاتمی و رفسنجانی به عمل آمده است، به شرائط زیر، محاکمه خواهند شد:

۲/۱ - پای مقامات بالای رژیم و واواک و سپاه به میان نیاید و اسمی هم از آنها برده نشود.

۲/۲ - کار رسیدگی به قتلها، به قتل‌های بالا محدود شود.

۳ - بنا بر مقررات واواک، طرح‌های ترور و قتل باید به تصویب رئیس قوه قضائیه و یک «مجتهد» از اداره کنندگان «تبلیغات اسلامی» برسد. بنا بر این، قتل‌های فروهرها و مجید شریف و محمد مختاری و محمد جعفر پوینده به تصویب محمد یزدی، «رئیس» قوهٔ قضائیه و احمد جنتی، نیز رسیده‌اند.

۴ - پس از آنکه در اواخر شهریور ماه، ارتکاب قتلها تصویب می‌شود، ارگانهای تبلیغاتی سازمان ترور و سرکوب، زمینه را آماده می‌کرده و هدف از جنایتها را توضیح می‌داده‌اند. افسوس که به موقع، توجه‌ها را به خود جلب نکرده است. برای مثال، روزنامه کیهان، ارگان واواک، یک ماه پیش از قتلها نوشته است:

«این انتظار وجود دارد که وزارت اطلاعات طرفهای دیگر این برخورد را در جریان آخرین اطلاعات از باند خطرناک کودتا قرار دهد... برخورد با عوامل نفوذی جریان کودتای فرهنگی زمانی تأثیر کامل خواهد داشت که عقبه‌های آنان در داخل و خارج به خوبی شناسایی شده و ارتباط میان آنها و اجیر شدگان داخلی قطع شود.»

بنا بر این، وقتی بعد از قتلها گفتند قصدشان قطع رابطه میان بخش داخل و خارج «جریان سوم» (جریان استقلال و آزادی) بوده است، همان هدف را بازگو می‌کرده‌اند که پیشاپیش تبلیغ می‌کرده‌اند.

۵- از آنجاکه شرکت کنندگان طراحان و مجریان قتلها، مقامات اول و اوایک و سپاه و «رهبر» و چند روحانی از تصویب کنندگان بوده‌اند، ناگزیر شده‌اند به استعفای دری نجف آبادی و تغییر برخی از مقامات تن بدهند. مهمترین این مقامها که در ترورهای داخل و خارج دخالت داشته است، پورمحمدی است که برکنار شده است.

۶- سناریویی که رهبری سازمان سرکوب و ترور برای قتلها ساخته است، اینست:

\* مدیرکل واواک، موسوی را - که نام اصلی او سید مصطفی کاظمی است - مغز و طراح اصلی قتلها معرفی می‌کنند. سوابق و جنایتهای او عبارتند از:

۶/۱- در سال ۵۸ که وارد سپاه پاسداران شده، طرفدار گروه دکتر پیمان بوده و سپس با گروه مهدی هاشمی همکاری پیدا کرده و به نفع گروه رجوی نیز عمل کرده است.

۶/۲- آیه‌الله ربانی را بار اول در شیراز ترور کرده و چون موفق نشده، بار دوم در راه اصفهان به دلیجان، بدست همدستان خود در سپاه اصفهان و گروه سید مهدی هاشمی، او را کشته است.

۶/۳- احتمالاً ترور رازینی را نیز به پای گروه موسوی بگذارند. به این ترتیب که نخست او را به قتل برسانند و بعد بگویند حکم قتلها را از او گرفته‌اند.

۷- قتل خانم فاطمه قائم مقامی، از استفاده واواک رژیمی که خود را «اسلامی» می‌خواند، از زنان جوان بمنزله «سکس» پرده بر می‌دارد. این قتلها مسلم می‌کنند سرکوب مستمر زنان و تجاوز روزمره به حقوق و شخصیت آنان، کمتر انگیزه دینی ندارند و از دست آویزهای استبداد ملاتاریا هستند. قتلهای زنان و مردانی که توسط واواک، در انجام جنایتها و فسادها (تجارت مواد مخدر و انواع قاچاق و جنایتهای سیاسی)، به جبر، بکار گرفته و سپس سر به نیست می‌شوند، باید بیشترین توجه‌ها را بخود جلب کنند.

ب- اطلاعات پیرامون طرحهای جدید گرایش خشونت طلب:

۱- لیستی شامل ۲۰۰ تا ۳۰۰ نام را تهیه کرده‌اند. عده‌ای از افراد این لیست نامزد ترور شدن و بقیه نامزد زندانی شدن هستند. با وجود تکذیب، تصادفی که گفته می‌شود برای آیه‌الله مؤمن ترتیب داده بودند، تکذیب این تکذیب است.

۲- قرار بر توقیف روزنامه‌ها است. غیر از توقیف زن، به صبح امروز اخطار کرده‌اند و بنا دارند در صورتی که مهاجرانی تحت امر آنها در نیاید، او را استیضاح و برکنار کنند. بستن سه روزنامه خرداد و صبح امروز و نشاط، هدف اول است.

۳- برای از سر گرفتن ترورها در خارج از کشور، تیمهای مطالعه فرستاده شده و آنها بازگشته و گزارشهای خود را داده‌اند.